

تأثیر آموزش پیش دبستانی بر پیشرفت تحصیلی دانش آموزان پایه اول

رضا دارابی زاده^۱

^۱ کارشناسی آموزش ابتدایی، دانشگاه پردیس خواجه نصیر کرمان
darabyzadhrda@gmail.com

زهرا جعفری^۲

^۲ کارشناس ارشد مدیریت آموزشی
Zj11693051@gmail.com

سولماز اللهیاری ینگجه^۳

^۳ کارشناسی علوم تربیتی
Queen65.ir@gmail.com

سحر اسدی^۴

^۴ دانشجوی کارشناسی آموزش ابتدایی، استان تهران، دانشگاه فرهنگیان پردیس زینبیه
saharrasad@gmail.com

چکیده

آموزش و پرورش در مرحله پیش از دبستان از دیر باز در کشور، بعنوان یک مرحله آموزش مطرح بوده است. یعنی از همان زمان که برنامه ریزی در امر تعلیم و تربیت کودکان در دوره دبستان به طور جدی مورد توجه قرار گرفته مساله تعلیم و تربیت کودکان در سالهای اولیه پیش از دبستان که باید آن را سالهای سازندگی و تشکیل دهنده بسیاری از صفات و خصوصیات کودک نامید نیز از اهمیت ویژه ای برخوردار است. امروز با توجه به مفهوم تعلیم و تربیت زگهواره تا گور دانش بجوی، بحث آموزش دوران کودکی گسترش کمی و کیفی است و آموزش و پرورش پیش از دبستان عبارت است از آموزش که از زمان تولد آغاز و تا شروع اولین سالهای دبستان یعنی در پایان شش سالگی، ادامه می یابد. از وقتی که کودک زبان به تکلم باز می کند دوره آموزش او شروع میشود و تا سنین رشد مراحل را طی میکند و سیر آموزش کودک در روایات معصومین (ع) مرحله بندی شده است. غالب پدران و مادران و مربیان چنین می اندیشند که کودکان امروز با کودکان یکی دو نسل پیش تفاوت بسیار دارند بچه های امروزی معمولاً از نظر جسمی سالمترند، چابکتر و فعالتر از گذشتگانند، کنجکاوتر و مستقلترند، کلمات فراوانتر و جملات طولانی تری به کار می برند و مطالب پیچیده تری را می فهمند و به زبان می آورند. آنان بزرگسالتر از معمول می نمایند و علائق پیچیده تری دارند آنان را کمتر میتوان رام کرد و در مقابل محدودیتهای بیشتر به معارضه بر می خیزند.

واژگان کلیدی: تعلیم و تربیت، کودکان پیش دبستانی، آموزش.

مقدمه

انکار نمی‌توان کرد که بهبود وضع بهداشت و تغذیه و امکانات پزشکی در سلامت جسمی و نتیجتاً در بروز ظرفیتهای فکری و روانی کودکان تاثیر بزرگی به جای گذاشته است. تلویزیون، رادیو، وسائل جدید ارتباطی و رفت و آمد، و همچنین وجود کودکان و دبستانها و دبستانهای جدید و کتابهای کودکان و وسائل بازی و توجه بیشتر والدین و مربیان و معلمان و متخصصان تعلیم و تربیت کودک نسبت به رشد و پرورش آنان و نیز بسیاری عوامل دیگر، در این تفاوتها نقش مهمی بر عهده داشته است عوامل دیگر اجتماعی و سیاسی و اقتصادی و نظامی و انسانی و فرهنگی نیز تاثیرات عظیم خود را، هم بر زندگی بزرگسالان و جوانان و نوجوانان و هم بر رشد و آموزش و پرورش کودکان، بخشیده است. بسیاری از والدین و مربیان و معلمان کنونی، به برکت علم و تکنولوژی جدید و دانشهای مربوط به روان شناسی و تعلیم و تربیت کودکان دیدگاهی دقیقتر و انسانی تر نسبت به کودکان یافته اند و توجه به حقوق کودکان و نیازهای جسمی و روانی و فکری آنان، عمق و گستردگی چشمگیری یافته است و درک طبیعت و تواناییهای بالقوه آنان امکان پذیرفته شده است درعین حال هنوز هم بسیاری از مردمانی که به همان دریافتهای سنتی از وضعیت کودکان دل خوش می‌دارند و غافل از تحولات عمیق هستند که درجهان انسانی در خصوص شناخت کودکان و ضرورت احترام به آنان و رعایت حقوقشان در چند دهه اخیر حاصل شده است. علیرغم تحول و عمیق و همه جانبه در شناخت کودکان و چگونگی رشد و پرورش آنان ما هنوز هم در میهن خود شاهد آن هستیم که در سطوح گوناگون، هم در خانوادهها و هم در آموزشگاهها و هم در جامعه، توجه لازم به حقوق کودکان نمی‌شود بسیار فراوانند خانوادههایی که وظایف خویش درباره فرزندان را نمی‌دانند و با خشونت و بی‌اعتنایی با آنان برخورد می‌کنند فراوانند والدین و مربیان و معلمان که به جای شکوفا کردن استعدادهای خدادادی کودکان، به تحقیر و تنبیه آنان می‌پردازند کم نیستند کودکانی که در روستاها و شهرهای کشور ما حتی از ساده ترین امکانات بازیهای تربیتی و فعالیتهای سازنده آموزش و پرورش صحیح محرومند درحالی که در بسیاری از کشورها اکثریت کودکان در سنین پیش دبستانی به کودکانهای مدرن میروند و با نظارت مربیان دانش آموخته و کار آموخته تعلیم و تربیت میشوند، اکثریت عظیم فرزندان ما محروم از کودکان هستند در حالی که طبق موازین بین المللی آموزش و همچنین طبق اصول قانون اساسی مملکت خودمان، تمام کودکان و نوجوانان ما باید از آموزش و پرورش همگانی و اریگان برخوردار باشند، بسیاری از کودکان و نوجوانان واجب التعلیم ما، فارغ از آموزش عمومی، در کوچه ها و خیابانها رها شده اند و بسیاری از آنان هم که به مدرسه می‌روند در فضاهای تنگ آموزشی و با امکانات بسیار ابتدائی و در مدارس دو شیفته ساعات محدودی از روز را صرف آموختن طوطی وار سطحی دروس میگذارند.

جای تردیدی نیست که درچنین اوضاع و احوالی هر گاه بخواهیم فرزندان ما نیز از آموزش و پرورش مناسبی برخوردار شوند، جا دارد که هر چه در توان داریم به کارگیریم و هر کس به قدر وسعت خود به هر نحوی که میتواند در راه اشاعه اصول و فروع تعلیم و تربیت علمی کودکان و نوجوانان و در راه رشد و شکوفائی استعدادهای خدادادی آنان و توسعه و بهبود آموزش و پرورش همگانی مبتنی بر موازین خدا پسندانه و انسانی و علمی بکوشند. والدین و مربیان و نویسندگان و مترجمان و دیگر دست اندرکاران آموزش و پرورش و متخصصان تعلیم و تربیت همگی باید بسیار بیشتر از آنچه تاکنون معمول بوده است در این راه بکوشند. « کسانی که تصویر میکنند گویا هر فرد دیپلمه ای که خواندن و نوشتن و حساب کردن را بتواند باشیوه ای سنتی به دانش آموزان بیاموزند یا کودکان را سرگرم، و آرام نگهدارد و معلم دبستان و مربی کودکان نیز می‌تواند گروه بزرگی از مربیان و معلمان و مدیران و مسئولان آموزش و پرورش ما نیز مشاهده میشود»



اما دانش و تجربه و اصول روان شناسی و تعلیم و تربیت کودکان، چیز دیگری به ما می گوید براساس، هر گاه جوان دیپلمه تحصیل کرده با هوش و استعدادی انگیزه کار مربیگری کودکان یا معلمی را داشته باشد و کودکان را دوست بدارد و سه و چهار سالی هم تحصیلات دانشگاهی در رشته آموزش و پرورش پیش دبستانی و دبستانی کرده باشد قادر خواهد بود که در جریان شغل مربیگری و آموزگاری بصورت مربی کودکان یا معلم دبستان در آید و این کار خطیر و پر اهمیت را با موفقیت به انجام رساند کودکان دبستانی و دبستانی ما به آموزشگاهها و مربیان و معلمان بسیار بهتری از آنچه که فعلاً دارند نیازمندند اگر دبستانها با روشهای خوشونت بار و تحکم آمیزی دانش آموزان را واداریم که مجموعه ای از اطلاعات را در ذهن خود انبار کنند، بدیهی است مشکلات ما، همانطور که فعلاً شاهد هستیم باز هم بیشتر خواهد شد.

آنچه که مهم است این است که کمتر درباره این موضوع فکر شده است که آموزش و پرورش در دوره پیش از دبستان خود مرحله ای است برای رشد قوای جسمی، ذهنی، عاطفی، اعتقادی و اجتماعی کودک، ان هم بطور هماهنگ و متعادل نه بصورت جدا و منفک از هم. [۱].

بیان مساله

کودکان گلهای زندگی هستند که اگر نور خورشید تربیت به آنها بتابد و اگر از جویبار آگاهی آب بنوشند و باز هم اگر مورد توجه، لطف و نوازش کافی قرار گیرند عطرشان باغ زندگی را فرا می گیرد، اگر چنین نباشد، کویری را بوجود می آورند بی بروبار که نه باغ، بلکه خارستان است و اولین سنگ بنای سازندگی شخصیت کودکان و در نهایت سازندگی اجتماع در همین سالهای اولیه گذاشته می شود و لذا هم از نظر کیفی و هم از حیث کمی این دوره از اهمیت خاصی برخوردار است.

بنا به سفارش نبی اکرم (ص) که می فرماید (العلم فی الصغر کالنقش فی الحجر) که دانش در کودکی مانند نقش بر سنگ است. و یا غزالی اشاره ای به این مطلب دارد که (هر کار که عظیم بود، تخم آن اندر کودکی افکنده باشند)

در این راستا فردریک فروبل آلمانی سیستمی از بازیهای آموزشی را برای کودکان ابداع کرد و برای نخستین بار کودکان دبستانی را در سال ۱۸۳۷ در بلانکبرک آلمان بنا نهاد و در سال ۱۸۵۵ اولین کودکان دبستان در آمریکا توسط کارل شورز تاسیس شد.

در نیم قرن اخیر، آموزش و پرورش پیش دبستانی (کودکستان - مهد کودک) در کشور ما ضرورت پیدا کرد و از سال ۱۲۹۸ در تهران و بعضی از کشورهای دیگر مانند ایران کودکان دبستانی تاسیس شد و می توان گفت اولین کودکان دبستان ایران در سال ۱۳۰۳ در شهر تبریز در محله صفی بازار توسط جبار باغچه بان به نام باغچه اطفال تاسیس شد.

در سال ۱۳۰۷ در شیراز تاسیس شد و مخصوص کودکان مرفه بود و اولین امتیازی که از طرف وزارت معارف و اوقاف صنایع مستطرفه برای تاسیس کودکان دبستان ها صادر شد و به نام خانم برسابه هوسپیان در تاریخ ۱۳۱۰/۴/۳۱ بود و این سال سرآغاز جدیدی در تاریخ آموزش های پیش دبستانی در ایران بود که مخصوص کودکان ۴-۷ سال بود که در سال ۱۳۳۵ طبق آئین نامه ای سن کودکان ۶-۳ سال قید شد و تا سال ۱۳۲۲ کودکان دبستان در ایران وجود داشته است و تا سال ۱۳۷۱ تعداد آنها به ۴۱۱۴ باب رسید و در کشور بنین نیز دوره دو ساله پیش از دبستان که کودک از سن ۳ سالگی شروع می کند و تا سن ۵ سالگی ادامه می یابد در این دوره مطابق علاقه و استعدادش تحصیل می کند.

آموزش و پرورش در مرحله پیش از دبستان از دیر باز در کشور، بعنوان یک مرحله آموزش مطرح بوده است. یعنی از همان زمان که برنامه ریزی در امر تعلیم و تربیت کودکان در دوره دبستان به طور جدی مورد توجه قرار

گرفته مساله تعلیم و تربیت کودکان در سالهای اولیه پیش از دبستان که باید آن را سالهای سازندگی و تشکیل دهنده بسیاری از صفات و خصوصیات کودک نامید نیز از اهمیت ویژه ای برخوردار است با توجه به اینکه انسان اولین ارتباط اجتماعی خود را با محیط اطرافش از دوران طفولیت آغاز می کند و اولین درسهای زندگی فردی و اجتماعی را در این سن می آموزد. لذا این سن ضرورت توجه بیشتر را می طلبد و هویدا است ذهن کودک همانند زمین مساعدی است که تاکنون کشتی در آن صورت نگرفته و بذری افشاندن نشده است. بنابراین در چنین زمین مساعدی هر بذری که افکنده شود پاسخ می دهد و زمینه رشد آن با توجه به توانایی هایش فراهم می شود و حاصل این بذر تا پایان عمر در مزرعه ذهن کودک باقی می ماند و فرد از آن تاثیر می پذیرد و بر اساس آن عمل می کند و تغییر بنیادی آن بسیار مشکل و در مواردی غیر ممکن است. بنابراین برای اینکه کودک در مسیر صحیح تربیتی قرار گیرد باید آموزش او را از همان دوران کودکی آغاز کرد لیکن رشد روزافزون صنعت و جامعه صنعتی و تنگناهای اقتصادی موجب شده تا آنچنان که باید و شاید مسئولان با این موضوع برخورد جدی ننمایند. نگاهی گذرا به تغییر و تحولات آموزش و پرورش پیش از دبستان در طول بیش از نیم قرن گذشته نشانگر این است که وجهه نظرهای شخصی در این امر بیش از حقایق علمی و عینی و مسلم و غیر قابل انکار موثر بوده است. در طول تاریخ نگرش اندیشمندان درباره مقام محیط و جایگاه آموزش کودکان متفاوت بوده است. زمانی کودک مینیاتور افراد بزرگسال تلقی می شده و زمانی دیگر این اندیشه رواج داشته که کودک یک بزرگسال کوچک نیست بلکه به خودی خود اهمیت و ارزش دارد و از این رو باید نیازهای او را دریافت و در جهت ارضای آنها کوشیده ولی آنچه مهم است این است که آموزش و پرورش در دوره های پیش از دبستان خود مرحله ای است که برای رشد قوای جسمانی، ذهنی، عاطفی، اعتقادی و اجتماعی کودک ضرورت دارد و از این می خواهیم بررسی نماییم که آیا دوره پیش دبستانی بر پیشرفت تحصیلی دانش آموزان تاثیر دارد؟ [۲]

اهمیت و ضرورت موضوع

اهمیت آموزش در دوران کودکی از دو جنبه مورد نظر است یکی حساسیت و سهولت اثر پذیری کودکان از محیط های آموزشی و دیگری دوام تاثیرات عمیق یادگیری ها در این دوران. و اهمیت این نوع آموزش در دوران اولیه کودکی به حدی محسوس و شایان توجه است که در آیات، احادیث، پژوهشهای علمی و برنامه های آموزشی مراکز پیش دبستانی کاملاً هویدا است و جان آموس کمینوس معتقد است که آموزش و پرورش در سالهای اولیه کودکی به بهترین وجه صورت می گیرد و تنها در صورت برخورداری از چنین آموزشی، موقعیت های بعدی امکان پذیر است.

از آنجا که بین رشد هوشی و تجارب اولیه کودکان رابطه وجود دارد مثلاً بنجامین بلوم معتقد است که حدود ۵۰٪ از رشد هوشی بین زمان تولد تا ۴ سالگی، حدود ۳۰٪، بین سنین ۴ تا ۸ سالگی و ۲۰٪ باقی مانده بین ۸ تا ۱۷ سالگی شکل می گیرد و لذا بایستی به دوران کودکی توجه خاص مبذول داشت پرواضح است که وجود مراکز برای آموزش در سنین اولیه ۳-۶ سالگی با توجه به اهمیت آن در مراحل بعدی آموزش ضروری است و برطرف نمودن نیازهای فردی کودکان نیز از نقطه نظر حسی، حرکتی، عقلی، اجتماعی وجود این مراحل را الزامی می کند. در مطالعه حاضر سعی بر آن است که تاثیر گذراندن دوره پیش دبستانی بر پیشرفت تحصیلی دانش آموزان پایه اول دبستان مورد بررسی قرار گیرد اما از آنجائیکه پیشرفت تحصیلی متاثر از عوامل فردی و خانوادگی، اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی و سیاسی است. لذا در حد توان تاثیر متغیرهای دیگری در کنار گذراندن دوره پیش دبستانی مورد بررسی قرار گرفته است. از این رو هدف کلی از این تحقیق بررسی رابطه بین متغیر گذراندن دوره پیش دبستانی و ویژگی های هوش، آموزش، خانواده دانش آموزان بر پیشرفت تحصیلی دانش آموزان سال اول است.

با توجه به اهمیت مسئله یکی از تکالیف اساسی ما آن است که بر کیفیت و ثمربخشی عمومی که دوره پیش دبستانی و دبستانی مهم ترین بخش آن است تاکید می کنیم .

اگر به این مسئله نیز توجه کنیم که اکثریت بزرگی از کودکان دوره پیش دبستانی و دبستانی ما متعلق به گروه های محروم تر فرهنگی – اجتماعی هستند . ضرورت بهسازی و تحول آن در آموزش و پرورش و برنامه ریزی های آموزشی و پرورشی کودکان دیگر ندارد لیکن باید عمدتاً بر کاهش نکات فرهنگی بین گروه های مختلف اجتماعی جذب کلیه کودکان پنج ساله محروم برای گذراندن یک تا دو سال دوره آمادگی و آموزش مهارت های اساسی و زبان آموزی و مفاهیم اولیه پایه ای ارتباط و همکاری مستمر مدرسه با خانواده های این کودکان و بهینه سازی فرهنگی و اجتماعی آنان مبتنی باشد . کودکان خانواده های محروم غالباً تجارب کافی و مناسب عاطفی و زبانی و شناختی و اجتماعی برای موقعیت در دبستان را ندارد . برنامه ریزی علمی با توجه به اینکه هنوز کودکانها جای واقعی خود را در جامعه نیافته اند و دولت نیز قصد دارد که دوره آمادگی را اجباری کند و یقیناً این تصمیم باعث بالارفتن هزینه ها خواهد شد و کودکان که از سن شش سالگی واجب التعلیم می شوند و بایستی وارد کلاس اول دبستان شوند از سن پنج سالگی بطور اجباری وارد کودکانها می شوند و از سن پنج سالگی تحت تعلیم و تربیت قرار گیرند . این تحقیق بر آن است که نشان دهد که بین کودکانی که دوره آمادگی را طی کرده اند از نظر :

الف) وظایف و هدف های مربوط به مهارت های خودیاری شخص

ب) هدف ها و وظایف مربوط به دریافت تصور صحیح از خود

ج) وظایف و هدف های ارتباط اجتماعی

د) وظایف و هدف های مربوط به رشد زبان

ه) آشنایی با طبیعت و مواد

و) وظایف و هدف های آموزشی و آمادگی برای یادگیری .

با کودکانی که دوره آمادگی را طی نکرده اند تفاوتی وجود دارد یا خیر و اگر وجود دارد رابطه مستقیم یا معکوس دارد . [۳]

ویژگی های رشد در کودکان پنج تا شش ساله

دوره یک یا دو ساله آمادگی می تواند این کمبود ها را تا حد زیادی جبران کند ایجاد فرصت های مناسب تربیتی و اجتماعی در سالهای پنجم و ششم زندگی این کودکان می تواند نهایتاً به شکستن دوره عیوب فرهنگی کمک می کند . این فرصتها موجب می شود که کودکان با بهره گیری از موقعیت هایی در جریان آموزش خود به دست می آورند ، تلقی ها و دیدگاه های مثبتی درباره زندگی روزمره و فعالیت های خویش در مدرسه پیدا کنند .

تحقیقات نشان داده است که اگر بخواهیم افرادی خلاق ، نوآور و سازنده تربیت کنیم باید از نخستین سالهای زندگی آغاز کنیم وگرنه به افرادی تعلیم آموزش خواهیم داد که دانسته های نسل های پیش را تکرار می کنند .

همانطور که از عنوان تحقیق بر می آید هدف به دست آوردن اطلاعات در زمینه دوره آمادگی را بر پیشرفت تحصیلی مورد بررسی قرار دهد و اینکه شاید بیشترین ضرورت اجرای این تحقیق این است که بتوان برای این مسئله که منظور کردن دوره کودکان در برنامه تحقیق این است که بتوان برای این مسئله که منظور کردن دوره کودکان در برنامه رسمی تا چه اندازه ای ضروری است ، پاسخی یافت . برخی از کارشناسان تعلیم تربیت بر این اعتقاد هستند که آموزش یک یا دوساله قبل از دبستان در توسعه خزانه لغوی کودکان با ایجاد مفاهیم اساسی و قدرت بیان بسیار موثر است و کسب این فضیلت ها یعنی فصاحت نسبی در کلام و استعمال سریع مجموعه وسیعی از لغات این کودکان را به هنگام ورود به مدارس ابتدایی نیست به هم کلاسی هایشان از این مزیت برخوردار نبوده اند در مقامی ممتاز قرار می دهند . این امتیاز احتمالاً تا آخر سالهای تحصیل حفظ خواهند شد . لذا ما با اجرای این تحقیق مسئله را در قالب علمی مورد بررسی قرار داده و به صحت و سقم آن پی خواهیم

برد. با گسترش روان شناسی خصوصاً روان شناسی کودک، مسئله آموزش های قبل از دبستان و تاثیر آن بر رشد ذهنی و پیشرفت تحصیلی مورد توجه جدی دست اندرکاران تعلیم و تربیت قرار گرفته است که ظهور فزاینده تر تحت عنوان کودکان دبستان و تشکیل دوره آمادگی یک ساله و مهد کودک از نتایج این توجه بوده است. تغییرات فرهنگی و اجتماعی پیدایش نیازهای جدید نظام آموزشی کشور متحول ساخته است.

آموزش و پرورش پیش دبستانی نیز به موازات تغییرات فرهنگی و اوضاع اجتماعی و سیاسی کشور دست خوش دگرگونی گردیده است تا آنجا که زمانی آموزش و پرورش پیش دبستانی آنقدر کم اهمیت تلقی می گردید که تحت تاثیر سلیقه های شخصی قرار بگیرد و گاهی موضوع گسترش زبان آموزی در مناطق دوزبانه کشورمان به حدی مورد توجه قرار می گیرد که آموزش قبل از دبستان هسته اصلی برنامه آموزش ابتدایی را تشکیل می دهد. اگرچه دوره آمادگی و بطور کلی مراکز پیش دبستانی نقش بسزایی در پیشرفت تحصیلی دانش آموزان داشته است به دلیل محدودیت های اقتصادی و اجتماعی نیروی انسانی و کمبود مکان و افزایش رشد جمعیت واجب التعلیم و ثبت نام کنندگان در پایه اول ابتدایی این نظام آموزشی نتوانسته است فراگیر شود نتایج حاصله به دست اندرکاران آموزش و پرورش در امر سرمایه گذاری بیشتر و توسعه این گونه دوره های آموزشی کمک خواهد کرد.

از اهداف مهم هر نظام آموزشی پیشرفت تحصیلی بیشتر و کم کردن اثرات افت تحصیلی است. اگر این مراکز متمر ثمر باشند می توان از آنها به عنوان یار و یاور آموزش و پرورش در جهت پیشبرد و اهداف نظام آموزشی یاد کرد. در غیر این صورت آنها را از میان بردارند و عمر کودکان را به نحوی تلف نکنند و همچنین از به هدر رفتن این همه هزینه و امکانات جلوگیری شود. [۴]

تعریف متغیر ها

۱- پیش دبستانی :

یک واحد تدبیر است که بوسیله یا با اجازه وزارت آموزش و پرورش برای تربیت کودکانی که در پیش دبستانی از ورود به دبستان هستند تاسیس می شوند.

۲- آموزش پیش دبستانی :

فراهم کردن محیط و فرصت های برابر برای کمک به رشد جسمی، ذهنی، عاطفی شخص و پرورش تواناییها و استعداد های کودکان و تقویت قوای جسمی آنها برای آماده شدن آنها برای تحصیل در دوره ابتدایی و همچنین آماده کردن برای یادگیری بیشتر و آسانتر مفاهیم آموزشی.

۳- عملکرد تحصیلی:

منظور از عملکرد تحصیلی دانش آموز نمراتی است که دانش آموز در امتحانات خردادماه بدست می آورند.

لزوم برداشتی نو و دیدی تازه

به هر حال وقت آن رسیده است که موضوع تعلیم و تربیت، با همه ابعاد و جوانب گوناگون آن با دیدی تازه و فارغ از پیشه آوریها و افکار و روشهای قبول شده رسمی بررسی شود، که هدفهای عمده تعلیم و تربیت از وظایفی که مدرسه برای خود قائل شده است تجاوز می کند و به همان نحو آنچه که نام سواد یا آموختن بدان گذاشته اند نیز فقط جنبه ای از پدیده چند جانبی تعلیم و تربیت را تشکیل می دهد. همه موافقت دارند که هدف نهائی و اصلی، تعلیم و تربیت انسان است با همه ابعاد گوناگون آن رسالت تعلیم و تربیت، پروراندن انسان پرسش جوئی است که می خواهد از قیدهای بیشمار و گوناگون وجودی اش رها گردد. راه تکامل همه جانبه خود را هموار سازد. به رموز موقع خردی و اجتماعی خود دو دنیای متغیری که در آن زندگی می کنند تا آنجا که ممکن است آشنا شود. با دنیا و انسانهایش مرتبط گردد، زندگی دهد، زندگی کند و زندگی خود و دیگران را با عشق و دانش شکوفائی سازد تعلیم و تربیت جمع پدیده ها و فعالیتهاست که انسان را در این هزار گرد خلاق یاری می کند. بدو اجازه می دهد تا دنیا را روشن تر و آگاهانه تر ببیند و هنر دیدن و عشق ورزیدن و آفریدن، هنر بودن و زیستن را به او می آموزد و از آنجا که هیچکس جز خود او نمی تواند چنین هدفهایی را تأمین سازد انسان هم یگانه هدف

اصلی تعلیم و تربیت است و هم یگانه وسیله آن و نیز با تعلیم و تربیت است که بین این وسیله و هدف ارتباطی متقابل و تأثیر پذیر بوجود آورد تا این دو هیچگاه جدا از یکدیگر جلوه نکنند. [۵]

۵- آموزش و پرورش قبل از دبستان در ایران

پیدایش، پذیرش و رشد بسیاری از مراکز پیش دبستان در کشورهای مختلف در نتیجه نیازهای گوناگون افراد جامعه، رشد صنعتی، حضور مادران در کارگاههای تولیدی فقر فرهنگی، تبدیل خانواده های گسترده به خانواده های هسته ای، عدم آگاهی والدین به روشهای تربیتی کودک که سبب به وجود آمدن دشواریهای جدید در درون خانواده ها می شود، صورت گرفته است. در کشور ما نیز کم و بیش این تغییرات سبب شده برای حل مشکلات خانواده ها و جلوگیری از مشکلات تربیتی کودکان خردسال مراکز آموزشی و مراقبتی خاصی تشکیل شود.

بنابراین آموزش و پرورش پیش از دبستان در کشور ما نیز در نتیجه نیازی اجتماعی و اقتصادی شکل گرفته و امروز با توجه به تحقیقات و نظریه های بسیاری از صاحب نظران امر آموزش و پرورش، مسأله ضرورت آن مطرح شده و این آموزشها از شناخت و اهمیت روز افزونی برخوردار گردیده است.

از سال ۱۲۹۸ در تهران در بعضی از شهرهای ایران، مسیولهای مذهبی و اقلیتها کودکستانی را تأسیس کردند و در امر مراقبت از کودکان تلاشهایی ابتدیی داشتند. از جمله خانم مسروژیان در تهران و سپس خانم خانزاریان در تبریز کودکستانها و یا محلهایی برای نگهداری اطفال و کودکان دایر کردند که اکثر آنها مربوط به خانواده های اقلیتهای مذهبی بودند. اولین کودکستان در ایران در سال ۱۳۰۳ در شهر تبریز در محله صفی بازار توسط صبار باغچه بان به نام باغچه اطفال تأسیس شد وی در سال ۱۳۰۷ شمسی نیز کودکستان دیگری تأسیس کرد. البته کودکان خانواده های مرفه به خصوص کارمندان عالی رتبه به کودکستان مزبور می رفتند و بازیهها و مراقبتهای گروهی را تجربه می کردند. با استقبالی که از این کودکستانها به عمل آمد، طی مدت کوتاهی در تهران،

پاره ای از شهرهای بزرگ از اسلوی بخش خصوصی کودکستانهایی افتتاح شد که با برنامه های ساده ای از قبیل بازیهای مرسوم آموزش مقدماتی، خواندن و نوشتن، نقاشی، عروسک بازی و ... در جلب رضایت خانواده ها تلاش می کردند. در ۲۷ بهمن ماه ۱۳۰۳، شورای عالی فرهنگی، آئین نامه مکتب خانه را که فقط در تهران قابل اجرا بود، تصویب کرد. در سال بعد یعنی از ۲۹ فروردین سال ۱۳۰۴ نظامنامه مکاتب تهران بود. اگر چه همان طور که خواندید در سالهای قبل از این تاریخ کودکستانهایی در ایران افتتاح شده بود، اما اولین امتیازی که از طرف وزارت معارف و اوقاف و صنایع متظرفه برای تأسیس کودکستانها صادر شد بنام خانم برسابه هویپان در تاریخ ۱۳۱۰/۴/۳۱ بود خانم برسابه در یکی از کودکستانها در ایران به صورت پراکنده و خصوصی دوره کار آموزی دیده بود و سال ۱۳۱۰ سر آغاز جدیدی در تاریخ آموزش و پرورش پیش دبستانی بود و طی سالهای قبل از آن سازمانی برای، آموزش پیش از دبستان به معنی امروزی وجود نداشت.

اولین آئین نامه کودکستانها در سال ۱۳۱۲ به تصویب شورای عالی فرهنگی رسیده که در ماه اول آن، سن اطفال مورد پذیرش در کودکستانها را ۷ - ۴ سال در نظر گرفته بود. در سال ۱۳۳۴ در وزارت فرهنگ اداره مستقلی برای کودکستانها به تصویب رسید که در آن سن کودکان بین ۳-۶ سال قید شده بود و در سال ۱۳۴۰ این اداره منحل شد و تمام کارهای مربوط به کودکستانها به اداره کل تعلیمات ابتدایی محمول گردید. لازم به ذکر است که در سال ۱۳۴۰ از سوی دولت تلاشهای بیشتری و مستمری برای ایجاد کودکستانها آغاز شد و با ایجاد کودکستانهایی در سایر شهرها، کودکان خانواده های طبقه متوسط را زیر پوشش قرار داد. در این سال آموزش و پرورش پیش از دبستان از توجه و تحرک چشمگیر بخش خصوصی و دولتی برخوردار گردید و با نیازی که به امور تربیت مربی برای کودکستان و مهدهای کودک احساس شد، و در این راه نیز تلاشهایی آغاز گردید. تأسیس شورای کتاب در سال ۱۳۴۱ و کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان در سال ۱۳۴۵ با هدف عمده کوشش در راه بهبود کیفی کتابهای کودکان پیش از دبستان و دبستان نیز در افزایش توجه به آموزش کودکان سهم مؤثری

داشته است. به هر حال تأسیس در سال ۱۳۲۲ در سراسر کشور فقط ۷ کودکستان وجود داشت و از سال ۱۳۳۱-۱۳۲۲ یعنی در طول ۹ سال تعداد به ۷۴ و در سال ۱۳۵۰-۱۳۵۱ به ۴۳۱ افزایش یافت. در سال ۱۳۴۶ به منظور تربیت نیروی انسانی برای این گونه مراکز، آموزشگاههای کودکستانی آغاز به کار کردند که البته اساسنامه و برنامه های دروس آموزشگاهی کودکستانی در سال ۱۳۴۵ به تصویب شورای عالی فرهنگی رسید و چند سال بعد نیز برخی از دانشکده های تربیتی رشته مربی کودک و آموزش و پرورش پیش از دبستان را دایر نمودند که از آن جمله مدرسه عالی سفیران و دانشگاه ابوریحان تلاشهای مستمری در این جهت مبذول داشتند.

در سال ۱۳۵۰ اداره کل تعلیمات ابتدایی به دفتر برنامه ریزی آموزش ابتدایی تغییر نام داد و واحد کودکستانها مسئولیت طرح و برنامه ریزی آموزشی و پرورش پیش از دبستان را عهده دار شد.

در سال ۱۳۵۴، با توجه به توسعه کودکستانها و تربیت مربی کودک، دفتر برنامه ریزی آموزش ابتدایی به دفتر آموزش کودکستانی و ابتدایی تغییر نام یافت و بالاخره در سال ۱۳۵۹ در اداره کل و سپس در دفتر آموزش عمومی ادغام شد. همچنین در اینجا باید اشاره کرد که بر طریق آخرین آئین نامه کودکستانها که در سال ۱۳۴۹ به تصویب شورای عالی آموزش و پرورش رسید و اجازه تشکیل کلاسهای آمادگی ضمیمه دبستان را داده بود سن کودکان کودکستانی ۳-۶ سال تعیین شد. در سال ۱۳۵۳ وزارت آموزش و پرورش طی بخشنامه ای اصلاحاتی در مواد آیین نامه مذکور صورت داد که براساس آن فقط کودکان ۵ سال تمام حق ثبت در کلاسهای کودکستان را داشتند که تا به امروز ادامه دارد. صدور امتیاز تشکیل کلاسهای آمادگی برای نگهداری کودکان زیر سه سال و یا به صورت شبانه روزی وجود داشت که بنام پانسیون و مهد کودک خوانده می شد و امتیاز این گونه مراکز را اتاق اصناف صادر می کرد. سازمان بهزیستی فعلی با اغلال سازمان زنان، سازمان ملی رفاه خانواده، سازمان تربیتی، شهرداری تهران، انجمن ملی حمایت کودکان از سال ۱۳۵۹ شکل جدید به خود گرفت و از سالهای ۱۳۵۵ در امر نگهداری کودکان توجهات روز افزونی مبذول داشت. در راستای هدفهای جدید اجازه تأسیس پانسیونها و مهد کودک به عهده سازمان بهزیستی محول شده است. البته باید اضافه کرد که از سال ۱۳۵۴ در وزارتخانه های مختلف نیز مهدهای کودک دایر شد که ضوابط آنها از طرف سازمان زنان ایران اعلام شده بود.

در سال ۱۳۵۶ نیز به منظور تشکیل مهد کودک و نگهداری کودکان زنان مشاغل، بودجه ای در کلیه وزارتخانه و سازمانهای دولتی پیش بینی شد و سازمان زنان مسئولیت تشکیل و نظارت بر آنها را بر عهده داشت که بعد از انقلاب شکوهمند اسلامی و ادغام سازمان زنان این وظایف به عهده سازمان بهزیستی کنونی واگذار شد.

در مرداد ماه ۱۳۵۸ هیأت وزیران جمهوری اسلامی ایران هر کارخانه ای و یا کارگاهی را که زنان کارگر آن حداقل صاحب ده کودک بودند، موظف به تأسیس مهد کودک در آن واحد کرد و در سال ۱۳۶۶ نیز سازمان بهزیستی کشور به عنوان مرجع رسمی در امور نظارت بر اداره امور و برنامه ریزی مهدهای کودک به شورای عالی فرهنگی معرفی شد. هم اکنون انواع مهدهای کودک تحت پوشش سازمان بهزیستی کشور اعم از مجتمعهای خدمات حمایتی، مهدهای کودک مجتمعهای خدمات بهزیستی روستایی، مهدهای کودک خصوصی، مهدهای کودک خودکفا و مهدهای کودک وابسته به مؤسسات دولتی در سراسر کشور فعال هستند و به امر تعلیم و تربیت و نظارت کودکان پیش از دبستان اشتغال دارند. [۶]

انواع دوره های پیش دبستانی و ویژگیهای برنامه های آنها

دوره های پیش از دبستان انواع مختلفی دارد و هر کدام از آنها ویژگیهای خاص و برنامه های متفاوت از همدیگر دارند. در اینجا هر کدام را به اختصار توضیح می دهیم:

۱- مرکز مراقبت های خانگی: این عقیده که خانه اولین و مناسبترین مکان برای مراقبت و آموزش کودکان محسوب می شود و والدین برای فرزندانشان در خانه برنامه هایی تدارک می دیدند. شکی نیست البته دولت

تسهیلاتی را برای این مراکز بوجود آورده بود تمام روز فعال هستند و این مراکز از حداقل معیارهای بهداشتی و ایمنی برخوردار بودند .

۲- مراکز مراقبت روزانه : بیشتر در کارخانه ها ، بیمارستانها ، دانشگاهها ،مدارس دولتی ویا محلهای دیگر برگزار می شد که هم به صورت تمام وقت بود و برای کودکانی که مادرانشان کار می کردند طراحی گردیده که تجارب آموزش فنی ، مراقبت های بهداشتی و پزشکی واجتماعی تدارک دیده شده بود .

۱۱ الی ۱۲ ساعت فعالیت می کردند یعنی از صبح تا ۶ بعد از ظهر علاوه بر کودکان پیش دبستانی کودکان سنین مدرسه ای نیز در این مراکز نگهداری میشود . بودجه تسهیلات دولتی نیز برای خانواده های بی بضاعت وجود داشت . [۷]

۳- مهد کودک ها : معمولاً به صورت خصوصی اداره می شوند و یا به صورت تعاونی و اشتراکی فعالیت می کنند و بیشتر در ساختمانهای خصوصی و بعضی از مدارس دولتی قرار دارند . معمولاً برای کودکان سنین ۵ تا ۵/۵ سال به صورت نیمه وقت صبح ها و بعد از ظهر کار می کنند . هدف اینگونه برنامه ها از نظر فلسفه و عقاید زیر بنایی متفاوت است . معمولاً هدف اساسی ، تدارک ، آموزش و پرورش و تغذیه مناسب برای کودکان زیر سن ۵ سالگی است که از این طریق نیازهای اجتماعی ، عاطفی و جسمی و ذهنی کودکان را تأمین می کند . بودجه دولتی برای چنین خدماتی فراهم نیست .

۴- کودکانها : اینگونه برنامه ها در جهت بر آوردن نیازهای کودکان قبل از ورود به کلاس اول تدارک دیده شده اند بعضی دولتی و عمومی و بعضی خصوصی هستند . کودکانها معمولاً بوسیله تیم مدارس اداره می شوند و برای کودکان ۵ و ۶ ساله طراحی شده اند برنامه ها ممکن است نیمه وقت یا تمام وقت باشند . بر ایجاد آمادگی در کودکان تمرکز دارند و عمدتاً هم بوسیله معلمانی که مجوز تدریس دارند و مربیان متخصص اداره می شوند .

۵- مدارس آزمایشگاهی : به منظور آموزش معلمان و به منظور فراهم آوردن امکانات تحقیقاتی مورد استفاده قرار می گیرند معمولاً دانشجو معلمان از طرف مؤسسات آموزش عالی در این محلها کار می کنند .

۶- تعاونی های والدین : این برنامه ها رای کودکان دو سال و نیم تا پنج سال است و بوسیله والدین و به منظور صرفه جویی در هزینه ها برای کودکانشان تدارک دیده می شود این برنامه ها دو منظوره بودند و علاوه بر فراهم آوردن برنامه های آموزشی برای کودکان ، آموزشهایی را نیز برای والدین تدارک می بینند والدین در مسئولیت ها و وظایف آموزشی و پرورشی با معلمان و مربیان شریک می شوند و به آنها کمک می کنند و در مقابل معلمان به طرح ریزی و برنامه ریزی و تنظیم سایر امور اشتغال دارند .

۷- مراکز رشد و پرورش کودک : این مراکز که برنامه هایی چون سر آغاز را شامل می شود از کمکها و تسهیلات دولتی ، ایالتی و یا محلی برخوردارند . مقصود از این گونه حمایتهای مالی نیز علاوه بر کمک به والدین نیازمند و اشتغال برای آنها ، استخدام و تأمین کار برای معلمان نیز می باشد . مهمترین مقاصد اینگونه مراکز ایجاد برنامه های آموزشی برای کودکانی که از نظر اقتصادی محروم هستند و بتوانند برای موفقیتهای بعدی در مدرسه آمادگی لازم را داشته باشند والدین به عنوان دستیار در کلاسها و یا کمیتهای مشورتی حضور فعال دارند .

۸- مهد کودک سیار : مهد کودک سیار با حداقل امکانات ایجاد می شود و به راحتی می توان آنرا برچید و در مکانی دیگر راه اندازی کرد که بیشتر هندیان از این روش استفاده و بهره می گرفتند .

اهداف آموزش و پرورش قبل از دبستان

آموزش و پرورش پیش از دبستان عبارت است از آموزشی که از زمان تولد آغاز شده و تا شروع اولین کلاس رسمی دبستان در پایان ششمین سال زندگی کودک ادامه می یابد . تحقیقات گسترده علمی ثابت کرده اند که ۶ سال اولیه زندگی از لحاظ رشد هوش و شکل گیری شخصیت دورانی سرنوشت ساز است و به همین لحاظ از اهمیت

بسیاری برخوردار می‌باشد. در بسیاری از فرهنگهایی از جمله فرهنگ ما پدر و مادر مسئولیت و نقش بسیار مهمی در تربیت کودکان خود دارا می‌باشند. شکی نیست که دامان مادر و خانواده می‌توانند بهترین مربی و محیط تربیتی باشد ولی در جهان صنعتی امروز این امر بخوبی تحقق نمی‌یابد اشتغال مادران و عدم آگاهیهای والدین از نیازهای کودک در هر دوره از رشد ضرورت وجود دوره و محیطهای آموزشی پیش از دبستان را روشنتر می‌نماید. ولی این دوره‌ها باید بر مبنای صحیح و اهدافی مشخص پایه‌گذاری شود اهداف اساسی مورد نظر در این دوره عبارتند از: [۸]

۱- رشد بدنی و اعمال حسی و حرکتی: در این زمینه مهارتهای لازم بدنی و تحرک و جنب و جوش و همچنین مراقبتهای بهداشتی و توجه به تغذیه مطرح است.

۲- رشد اجتماعی کودکان: همکاری با دیگران و شرکت در فعالیتهای و بازیهای گروهی احترام به حقوق هموعان و احساس مسئولیت بعنوان یک عضو مؤثر در گروه همچنین سازگاری اجتماعی در محیط و آموزش مفاهیم ساده دینی و تقویت اعتقادات معنوی و اخلاقی بیشتر مد نظر است.

۳- رشد ذهنی و عقلانی کودکان با حس کنجکاوی کودک توانایی استدلال، پیدا کردن راه حل مشکلات ساده، کاربرد واژه‌های تازه، در فعالیتهای روزمره، شناسایی محیط اطراف، تمیز پدیده‌های ساده علمی، رشد خلاقیت توانایی و آمادگی ذهنی لازم برای مراحل بعدی آموزش از جمله اهداف این دوره است.

۴- رشد عاطفی کودکان، ایجاد ارتباط عاطفی مطلوب، احساس امنیت، ابراز احساسات خود به طور طبیعی، مهار جنبه‌های هیجانی و افراطی کودک و در پایان کودک را بعنوان یک کل در نظر گرفت و جنبه‌های مختلف او را رشد داد تا به طور طبیعی بر همدیگر تأثیر بگذارند.

داشتن اهداف فوق ایجاد برنامه‌های لازم آموزشی را سهل تر می‌سازد و در وقت و انرژی مربی و کودک صرفه جویی کرده و مفیدترین برنامه را می‌توان هدایت و تحقیق بخشید. [۹]

دوره‌ اساسی یا قصد کلی دوره پیش از دبستان

در نظام جدید آموزش و پرورش نخستین مرحله از آموزش و پرورش عمومی اساس نام دارد. طول آن دو سال و گذراندن آن برای همه نوع آموزان ۵/۵ سال تمام اجباری است مرحله اساس شالوده و پا به ساختمان و بنیان آموزش و یا تعلیم و تربیت است و یکی از حساسترین و مهمترین مراحل آن است در نظام جدید چنین فرضی شده که اساس به منزله شالوده ساختمانی است که اگر سستی‌های زمین را برطرف کرد می‌توان بنای مستحکمی بر آن استوار کرد. مهمترین دلایل ایجاد مرحله اساس به طور خلاصه این است که:

الف: بنا بر یافته‌های روان‌شناسی رشد و تربیت در سنین ۶ و ۷ سالگی مرحله حساس و تعیین کننده است در این مرحله رشد سریع ادراکی کودک ایجاد می‌کند که در قالب روشهای مناسب، آموزشهای بنیادی به وی داده شود.

ب: در محیط ایران با تنوع فرهنگی و تفاوت‌های اجتماعی و اقتصادی روبرو هستیم و لذا نو آموز در بدو ورود به مدرسه با مشکلات متعددی روبرو شود که راه پیشرفت تعلیم و تربیت مناسب را ببندد و افت تحصیلی را به همراه می‌آورد وجود یک مرحله آموزش و پرورش جبرانی در ابتدای تحصیل خصوصاً برای اقشار محروم.

ج: ورود نو آموزان بدون تمهیدات لازم از کانون گرم خانواده به یک محیط خشک و جوی شلوغ مانند دبستانهای فعلی معمولاً همراه با ضایعه است و در حال حاضر بالاترین رقم تکرار و افت تحصیلی در پایه اول ابتدایی متمرکز است و یکی از دلایل آن عدم تجانس محیط مدرسه و خانواده ذکر شده است.

د: علاوه بر حساسیت این مرحله جدا کردن این مرحله از سایر مراحل تحصیلی و توجه بیشتر به کیفیت آموزش و پرورش آن زمینه لازم را برای ایجاد یک پایه قوی در امور تحصیلی آینده نو آموز فراهم می‌آورد.

هد: ایجاد دوره اساس فرصت مناسبی است که پیاده کردن اصول تعلیم و تربیت اسلامی و شیوه های جدید آموزشی و استفاده از معلمان واجد شرایط و به کار بستن روشهای مناسب و کار آمد اجرایی و اداری را تسهیل می کند. [۱۰]

بحث و نتیجه گیری

دوره پیش دبستانی از مراحل مهمی است که می تواند در تربیت، آماده سازی و رشد مهارت های اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی کودکان تاثیر بسزایی داشته باشد. هدف از تحقیق حاضر بررسی میزان تاثیر گذراندن یا نگذراندن دوره پیش دبستانی بر عملکرد تحصیلی دانش آموزان پایه اول ابتدائی شهرستان شهریار در سال تحصیلی ۸۱-۸۰ بوده است. با توجه به فرضیه تعدادی از دانش آموزان که دوره پیش دبستانی را گذرانده یا نگذرانده از تعدادی دبستان با استفاده از روش نمونه گیری تصادفی ماده انتخاب گردید و داده های مورد نیاز از دفتر امتحانات و پرونده تحصیلی جمع آوری شد و با استفاده از روش آمار توصیفی و استنباطی و آزمون t تجزیه و تحلیل شد

پیشنهادات

- ۱- اجباری نمودن دوره پیش دبستانی با توجه به اهمیت آن برای تمامی کودکان.
- ۲- کمک به مراکز پیش دبستانی از نظر امکانات مالی و منابع آموزشی و کمک آموزشی.
- ۳- مربیان این دوره حتماً آموزشهای لازم را برای دوره پیش دبستانی بگذرانند.
- ۴- توصیه مسئولین به مدیران و مربیان این دوره در جهت اهمیت دادن بیش از حد به کودکان این دوره.
- ۵- توصیه مسئولین به مدیران این مراکز در خصوص همکاری و مساعدت با محققان در این رابطه.

منابع و مأخذ:

- ۱- آدگافور، آموختن برای زیستن، مجید رهنما، سال ۱۳۵۴
- ۲- اسپارگ، برنارد، آموزش در دوران کودکی، حسین نظری نژاد، انتشارات آستان قدس رضوی، سال ۱۳۶۶
- ۳- آقازاده، احمد، آ. پ تطبیقی، جلد اول و دوم، چاپ اول، انتشارات پیام نور.
- ۴- آناستاری، تفاوت های فردی، مترجم: جواد ظهوریان، چاپ دوم، انتشارات آستانه قدس رضوی، سال ۱۳۶۹
- ۵- پژوهش های آموزشی، پائیز ۱۳۷۰، دفتر پژوهشی وزارت آ.پ.
- ۶- سره، صغری، «مجله رشد معلم ویژه دبستان و پیش دانشگاهی»، سال دوازدهم
- ۷- عیسی زاده منشی، مصطفی، تاثیر دوره آمادگی بر بر پیشرفت تحصیلی، کلاسهای چهارم و پنجم، پایان نامه فوق لیسانس، دانشگاه تربیت معلم تهران، ۱۳۶۰
- ۸- مصدقی، مجتبی، «مجله رشد معلم ویژه دبستان و پیش دبستان» دوره ششم، سال ۷۲-۱۳۷۱
- ۹- مفیدی، فرخنده، آموزش و پرورش پیش دبستانی، چاپ اول، انتشارات پیام نور سال ۱۳۷۲
- ۱۰- وزارت آموزش و پرورش، طرح کلیات نظام جدید، انتشارات وزارت آموزش و پرورش خردادماه ۶۷.